

یک پیشنهادشادو مرزبندی‌ها

درباره مصاحبه‌مهدی نصیری و واکنش‌ها به آن



حسین نورانی‌نژاد

قائم‌مقام دبیرکل حزب اتحادملت

مرور یکی از اتفاق‌های اخیر برای شناخت فضای سیاسی کشور خالی از لطف نیست. چند روز پیش آقای مهدی نصیری در مصاحبه بی‌بی‌سی فارسی پیشنهادشاد«جبهه‌ای از شاهزاده‌ها تاجزاده» داد. شاد از آن جهت که قربانی بین این دو در جزء و کل سیاست نیست، از تبار و خاستگاه که بگذریم، یکی استقلال از دولت‌های خارجی را اصل می‌داند و دیگری در پی جمع‌نبره‌های خارجی علیه حاکمیت باهدف قدرت‌گرفتن خودش است. یکی خشونت‌پرهیز و دیگری تنها معطوف به براندازی با هر روشی است. یکی حامی حقوق فلسطینیان در چارچوب راهبردها و چارچوب‌های کم‌هزینه برای مردم فلسطین است و دیگری از افراطی‌ترین دولت اسرائیل در یکی از جنایت‌بارترین وقایع تاریخی‌اش حمایت می‌کند. یکی جمهوری خواه است و دیگری سلطنت‌طلب. یکی در پی گذار به دموکراسی است و دیگری در پی گذار به خودش. اساساً طبیعی است که ائتلاف با«شاهزاده» معنایی ندارد جز پذیرش سروری شاهزاده و حداکثر یافتن جایی ذیل دم و دستگاه. او شاه که با کسی فالوده نمی‌خورد. کما اینکه در پی تلاش برای مصادره اعتراضات ۹۶ و ۹۸ شعارهای سلطنت‌طلبانه حتی در شکل واکنشی داده نشد، اما رضاپهلوی با عده‌ای دیگر شوری ائتلافی درست کرد که به چند ماه نکتشیده برچیده شد.

به هر حال، این پیشنهاد عجیب از جانب آقای نصیری داده شد. پیشنهادی که برای یک برانداز که تنها به «گذار از» با هر هزینه و هر سرنجामी فکر کند شاید معنادار باشد، اما برای آنکه «گذار به» و چگونگی آن را اصل می‌داند، نمی‌تواند معتبر باشد.

طبیعی بود که این پیشنهاد دور از ذهن توجه چندانی برنیاگزید. خاصه آنکه پیش از این افراد دیگری این پیشنهاد را مطرح کرده بودند و هیچ طبنینی نداشت. به علاوه، مروری بر مواضع و نوع انتخاب مطالب در کاتال شخصی آقای نصیری نشان می‌دهد که در امتداد تغییر و تحولات سریع و شدید ایشان، اندک‌اندک گرایش خاصی به پهلوی شکل گرفته است. اما آقای نصیری که عضو هیچ جریان سیاسی خاصی محسوب نمی‌شود که آن مجموعه را در مظان اتهام و پاسخ‌گویی قرار دهد، پس این همه موضع‌گیری و مصاحبه‌ها و یادداشت‌های قطاری که با شدت و حدت خاصی هم بیان می‌شوند، به چه معناست؟ به‌خصوص که حاصل این هیاهو چیزی جز جدی کردن این ایده و مشابه آن در آینده نیست. اما به نظر می‌رسد که این

فلسطین ما، فلسطین آن‌ها



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر همه‌میهن

یورش پلیس به دانشگاه محکوم است. هیچ دانشجوی آزادی خواهی که خواست خود را در حمایت از مردم فلسطین در دانشگاه‌های آمریکا فریاد می‌زند، مستحق به زمین کوبیده شدن و بازداشت نیست. آنچه از حقیقت جویی و حقیقت‌طلبی دانشجویان آمریکایی در ایران مورد سوءاستفاده و تحریف قرار گرفته، خیانت در حق آرمان‌های آنان است.

اول؛ جو غالب در میان دانشجویان آمریکا، مسئله انسانی و واکنش به کشتاری است که صهیونیست‌ها در غزه انجام دادند. قتل عام ۳۵ هزار انسان بی‌گناه و غیرنظامی در نوار غزه، احساس دانشجویان را به درستی تحریک کرده و آن‌ها را به واکنش واداشته است. حضور دانشجویان از کشورهای عربی و ایران، نسل جدید دانشجویان را با مسئله فلسطین و ظلمی که بر مردم این سرزمین می‌رود، بیشتر آشنا کرده است. روایت غالب طی سال‌های گذشته مبنی بر اینکه حق با اسرائیل بوده و هست، به چالش کشیده شده است. جو غالب میان دانشجویان مسئله انسانی کشتار در غزه و خواست عمده آنان اعمال فشار بر دولت اسرائیل است. به‌طور مشخص، بخشی از این مطالبه به دانشگاه‌ها بر می‌گردد و دانشجویان خواهان عدم سرمایه‌گذاری و مرادوات تجاری با شرکت‌های اسرائیلی هستند. از سوی دیگر خواهان فشار بر دولت اسرائیل برای پایان دادن به این کشتار هستند. همین مطالبات و اعتراضات، در دوران حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی، جنگ ویتنام، اشغال عراق و افغانستان نیز انجام شد. دانشگاه‌های تراز اول مثل هاروارد، کلمبیا و ام‌آی‌تی درگیر بر این اعتراضات شدند که نشان دهنده برانگیختگی دانشجویان نخبه علیه کشتار اسرائیل در غزه است.

دوم؛ مسئولان دانشگاه‌ها در دو حالت می‌توانند خواستار ورود پلیس به دانشگاه‌ها شوند: به‌خطر افتادن امنیت دانشجویان و آسیب به دانشگاه. آنچه‌ما از طریق رسانه‌ها دیدیم، تظاهرات مسالمت‌آمیز حامیان فلسطین بود. بنابراین، احتمال وجود دارد که این مسئله ورود پلیس از لحاظ قانونی مورد توجه رسانه‌ها و دستگاه قضایی قرار بگیرد. باید به تفکیک هر دانشگاه مشخص شود که آیا این خطر واقعاً وجود داشته یا بهانه‌ای برای یورش پلیس شده است. نکته مهم، نفوذ شدید محافظه‌کاران یهودی و تجار دارای ارتباطات مالی با اسرائیل، بر فضای کلان آکادمیک دانشگاه‌های آمریکاست. هر دانشگاه یک هیئت امنا (board of trustees) دارد که

محاسبات در موضع‌گیری‌ها ملاحظه‌نشده است.

می‌توان پذیرفت که برخی افراد در نتیجه فضای شکل گرفته در این باره ورود کرده و حرفی زده باشند. اما نوع ادبیات به‌کاررفته و غلظت آن و تعداد زیاد مواضع، با عرض پوزش از بسیاری از افراد محترمی که در این باره ورود کردند، نشان از نوعی انجم وظیفه و ریاکاری سیاسی دارد. شاید بیان غیرمستقیم اما روشن تاجزاده که در پی این هیاهوها و بعد از ملاقات هفتگی با خانواده، فایل صوتی مناظره‌اش با مراد ویسی در نقد سلطنت‌طلبی را باز نشر و در کانالش دیده شد، نمونه‌ای از یک واکنش کافی باشد. اما سایر واکنش‌های شدید و غلیظ، بیش از آنکه نقد آقای نصیری و ایده او باشد، نوعی اثبات خود برای دیگری به نظر رسید. یک موضع‌گیری غیراصیل که لاجرم بر دل ننشیند. البته بر خی دوستان برای اینکه مقصود خود را کامل کرده باشند، لگد غیرمستقیمی هم به دیگران مثل حزب اتحاد زدند و با تیت‌رهای دوپهلو، دور چین غذا را هم فروگذار نکردند. اما تنها پاسخی هم که آمد، از روزنامه جوان بود که نوشت: مهدی نصیری «باطن» اصلاح‌طلبان است که «ظاهر» شده است و حالا اصلاح‌طلبان که سال‌هاست با باطنی غیر از شخصیت متظاهرشده خود با مردم و نظام رویه‌ور شده‌اند، از اینکه یک تازه‌وارد قواعد بازی را رعایت نکرده (با هنوز نیاموخته) و باطن آنان را آشکار کرده است، به‌شدت دلخور و هراسان شده‌اند و در اقدامی سیستماتیک هر روز یکی از آنان، تکذیب ورد و تکفیر نصیری را برعهده می‌گیرد!

واقعیت آن است که با بسیاری از مواضع دوستان به صورت مجرد می‌توان موافق بود؛ اما آنچه قلمرو یک نیروی سیاسی را در حوزه موضع‌گیری سیاسی شکل می‌دهد و به آن اعتبار و وجهت می‌بخشد، نوع انتخاب اولویت‌ها و دور ورود به موضوعات مختلف است. سیاست را این جزئیات معنادار می‌کنند که حرف‌های بزرگی که همه عالم در آن جا شود. این غیرتی که برخی دوستان درباره موضع شخصی یک نفر – از شاهزاده تا تاجزاده – داشتند، بعضاً درباره شرایط خود تاجزاده که هزینه‌سنگینی را صرفاً بابت نقد صریح و بدون لکتنت می‌دهد، دیده نشده است!

اتفاقات مهمی در کشور رخ می‌دهد که بعضاً آیین عزیزان در اظهار نظر پیرامون آنها جایبند. ناگهان چه می‌شود که این‌طور غیورانه و بدون محاسبه نتیجه عمل‌شان به سود یک حرف نسنجیده به میدان می‌آیند و با آب و تاب موضع می‌گیرند.

حرف اصلی این یادداشت این است که متاسفانه همین‌گونه موارد است که اعتبار سیاست در افکار عمومی را مخدوش می‌کند. به نظر می‌رسد سیاستی می‌تواند اعتماد برانگیزد و کسب نمایندگی سیاسی کند که خود را از این شائبه‌ها دور نگه دارد. در خاتمه بگویم که برخی از عزیزانی که در این چند روز موضع گرفته‌اند، اثبات‌شده هستند و به اصول مداری شناخته می‌شوند. حداکثر نقد به آنها این است که چرا در این جو قرار گرفتید و به حرفی که قبولش ندارید، بی‌جهت ضربت بالا دادید. ولی این عزیزان شامل دیگر نقدهای این متن نیستند و انشاالله که جسارت نویسنده را می‌بخشند.

تیتریک

HEADLINE ONE

در دیدار با فرهنگیان و با اشاره مستقیم به آموزش و پرورش مطرح شد:

تاکید رهبری بر ثبات مدیریت

گروه خبر: مقام معظم رهبری درروز به مناسبت روز معلم در دیدار هزاران نفر از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، با اشاره به اینکه «آموزش و پرورش از لحاظ اهمیت و تأثیرگذاری با هیچ دستگاه دیگری قابل مقایسه نیست»، گفتند: «هویت‌سازی نسل روز جوان و جوان و ایجاد شوق و امید در او، تحول مستمر، توانمندسازی مادی و غیرمادی معلمان، حمایت از مراکز تربیت معلم، تقویت معاونت پرورشی و الگوسازی در جامعه معلمان، مهم‌ترین سرفصل‌های کاری آموزش و پرورش است.» آیت‌الله خامنه‌ای با تبریک روز معلم به «جامعه عزیز معلمان به‌عنوان پرورش دهندگان فضیلت و سازندگان آینده کشور»، گفتند: «توجه و احترام همگانی به معلمان، باعث ایجاد جاذبه بیشتر برای این شغل شریف، ارتقای سطح جامعه معلمان و در نتیجه، ارتقای کشور می‌شود و لازم است رسانه‌ها و صاحبان تربیت‌ن‌های عمومی در زمینه تبیین جایگاه معلم و ضرورت تمجید از او، فعال شوند». رهبری علت متفاوت بودن اهمیت آموزش و پرورش با دیگر

دستگاه‌ها را «تربیت منابع انسانی» برشمردند و گفتند: «همه دستگاه‌ها بکارگیرنده نیروی انسانی هستند؛ اما آموزش و پرورش، پرورش‌دهنده منابع انسانی است.» آیت‌الله خامنه‌ای معلمان فعال را «هویت‌سازان نسل نوجوان و جوانان» دانستند و گفتند: «هر حرف و رفتار و موضع‌گیری و حتی اشاره معلم در شخصیت‌سازی نسل نو تأثیر دارد.» ایشان «وجود نیروی انسانی خوب» را «غیرقابل مقایسه با منابع و سرمایه‌های طبیعی» خواندند و گفتند: «بیشرفت، امنیت، سلامت، علم و تحقق همه ارزش‌های انسانی و اسلامی در کشور در گرو وجود نیروی انسانی مناسب است که این کار عظیم برعهده آموزش و پرورش است.» آیت‌الله خامنه‌ای سخنان وزیر آموزش و پرورش در این دیدار را «خوب» ارزیابی کردند و افزودند: «بحمدالله برخی نکاتی که در سال‌های گذشته بیان کرده‌ایم در مسیر اجرا قرار گرفته است». رهبری در تبیین سرفصل‌های مهم آموزش و پرورش، «اجرای سند تحول» را «مهم‌ترین» خواندند و گفتند: «از انفعال و کم‌توجهی به این سند در سال‌های گذشته، ضرر کردیم اما بازنگری در حال نهایی شدن این سند و تدوین نقشه‌راه اجرایی آن خبر خوبی است که ترمیم سند تحول با استفاده از نخبگان داخل و خارج

نخست‌وزیر اسرائیل از حمله قرب‌الوقوع به جنوب غزه خبر داد؛

شمارش معکوس برای جنگ رفح

▼**شبکه‌تول‌ها**

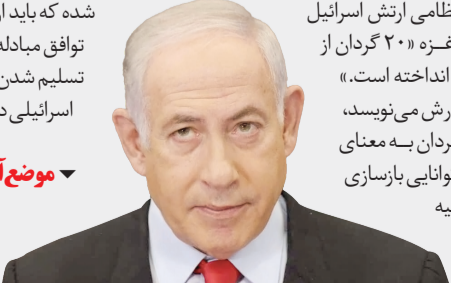
بحث مهم دیگر در موضوع جنگ غزه، مسئله تونل‌ها است. روزنامه عبری هاآرتص طول تونل‌های غزه را ۷۰۰ کیلومتر و برخی منابع خبری دیگر مثل جوش اینسایدر، حدود ۵۰۰ کیلومتر ارزیابی کرده‌اند. آخرین گزارش منتشرشده درباره میزان خسارت‌های واردشده به شبکه تونل‌های غزه، براساس خبر وال استریت‌ژورنال به نقل از منابع اطلاعاتی آمریکایی و اسرائیلی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد است. این رقم ۲۰ تا ۴۰ درصدی، رقم نابودی تونل‌ها نیست. بلکه میزان آسیب‌دیدگی یا غیرقابل استفاده شدن آنان است. با توجه به قرار داشتن شهر رفح در مرز مصر و نوار غزه، شبکه این تونل‌ها در آن منطقه نیز گسترده است؛ بنابراین، عملیات احتمالی زمینی و هوایی اسرائیل در جنوب غزه سنگین خواهد بود.

▼**خواسته‌های راست افراطی**

شکاف زیادی میان دولت‌مردان اسرائیلی درباره ادامه جنگ وجود دارد. نظامیان ارشد سابق مانند بنی گانتز و گادی آیزنکوت که در کابینه جنگ این رژیم حضور دارند، بارها اعلام کرده‌اند که مسئله گروگان‌ها باید در اولویت باشد و اهمیت آن حتی از حمله به رفح هم بیشتر است اما از سوی دیگر، وزرای غیرنظامی نتانیاهو که متعلق به رادیکال‌ترین بخش از طیف راست هستند، معتقدند که باید جنگ ادامه پیدا کند و نتانیاهو حتی برای پذیرفتن آتش‌بس ندارد. سرنوشت این جنگ با سرنوشت سیاسی نتانیاهو و دولت ائتلافی لغزنده او گره خورده و موافقان و مخالفان این جنگ، از حربه انحلال کابینه یا خروج از دولت علیه نخست‌وزیر رژیم اسرائیل استفاده می‌کنند. دو وزیر دارایی (بتسالل اسموتریچ) و امنیت ملی (ایتامار بن‌گویبر) رژیم اسرائیل، بیشترین تحركات در این زمینه را دارند. به گزارش جمران، اسموتریچ در آخرین اظهارنظر خود بار دیگر با تعویق حمله زمینی به رفح مخالفت کرد و گفت: «اقدام جزئی وجود ندارد، رفح، دیرالبلخ و النصرات باید به‌طور کامل نابود و ویران شوند و به خاطره‌ها بپیوندند.» وی افزود: «اسرائیل با طرفی وارد مذاکره شده که باید از مدت‌ها پیش، از بین می‌رفت. اگر نتانیاهو با توافق مبادله أسرا و آتش‌بس در غزه موافقت کند، به معنی تسلیم شدن خفت‌بار خواهد بود و این یعنی اعدام آسرای اسرائیلی در غزه.»

▼**موضع آمریکا**

انتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا از روز گذشته در سرزمین‌های اشغالی حضور



خود و ادامه حملات مگر بار علیه اسرائیل را دارند.